

مجله علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال سوم - اسفند ماه ۱۳۸۵

علل و راه‌های تأخیر در ازدواج جوانان

دکتر زهرا نیک منش*

دکتر یحیی کاظمی**

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج در جوانان و راه‌های مؤثر جهت رفع این مشکل پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی بوده است. جامعه آماری، کلیه دختران بالای ۲۵ سال و پسران بالای ۲۷ سال ساکن شهر زاهدان و نمونه آماری ۱۲۰ نفر از این جامعه بوده است. گروه نمونه به روش تصادفی در دسترس انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آمار توصیفی و آمار استنباطی، آزمون‌های دو، استفاده شده است.

نتایج نشان داد که فرصتهای ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج نسبت به پسران بیشتر فراهم بوده است و دختران مهمترین دلیل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل معرفی کرده‌اند. پسران مشکلات اقتصادی و بیکاری را دلیل عدم ازدواج خود مطرح کرده‌اند. میزان امید برای ازدواج در آینده در پسران نسبت به دختران بیشتر است. همچنین نتایج نشان داد که دختران و پسران، کاهش انتظارات والدین را به عنوان راه حل عمده معضل ازدواج می‌دانند. در اولویت دوم پسران و دختران رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری را به عنوان راه حل مطرح کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تأخیر در ازدواج، سن ازدواج، جوانان، مشکلات اقتصادی، ادامه تحصیل و انتظارات والدین.



* استادیار گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

** استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی و خواسته طبیعی زن و مرد است و همه مکاتب و ادیان الهی و از جمله دین اسلام بر آن صحنه نهاده‌اند و پیروان خود را به آن ترغیب نموده‌اند (نوابی نژاد، ۱۳۷۹). قرآن کریم می‌فرماید: «و از آیات لطف الهی آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی آفرید که در کنارش آرامش یابید و با او انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار نمود. همانا در این امر برای مردم خردمند، ادله علم و صحت حق آشکار است (سوره روم، آیه ۲۱). پیامبر اسلام (ص) در باره اهمیت ازدواج فرموده‌اند: بهترین امت من در درجه اول کسانی هستند که ازدواج کرده‌اند و مردان و زنان بدون همسر در رتبه آخر قرار دارند (مستدرک، جلد ۲: ۵۳۱، به نقل از حدیث تربیت، ۱۳۶۱) و در جایی دیگر می‌فرمایند: کسی که ازدواج کند نیمی از دینش را کامل کرده است (کافی، ج ۵: ۳۲۹، به نقل از حدیث تربیت، ۱۳۶۱).

ازدواج و انتخاب همسر از نظر بهداشت روانی اهمیت بسزایی دارد. افرادی که ازدواج کرده‌اند و در این امر موفق بوده‌اند، کمتر دچار اختلال روانی شده‌اند (یزدانی و دیگران، ۱۳۷۶) و زنان مجرد به مراتب بیشتر از زنان متأهل دچار اختلالات عصبی هستند (بیابانگرد، ۱۳۸۰). از دیدگاه جامعه‌شناسان و روانشناسان، ازدواج یکی از عوامل تعیین‌کننده سلامت فرد و جامعه است و از قوی‌ترین عوامل بازدارنده جرم و ناهنجاری است. درصد افراد متأهل زندانی بسیار پایین‌تر از افراد مجرد هستند (همان). بعضی از فواید ازدواج را می‌توان کسب استقلال، انس و آرامش، حفظ عفت، مصونیت از گناه، تولید مثل و سلامت و امنیت جامعه برشمرد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱).

انگیزه پیوند جویی یکی از انگیزه‌های مهم اجتماعی است که در همه افراد مشترک است و انسان را به سوی پیوند با دیگران سوق می‌دهد. موری (۱۳۶۳) در طبقه‌بندی نیازها، نیاز پیوند جویی را این‌گونه تعریف می‌کند: «نزدیکی و همکاری مسرت‌آمیز و داد و ستد روانی با کسی که به دوستی برگزیده شده است؛ جلب رضایت خاطر و محبت کسی که شخص در او نیروگذاری کرده، هواخواه دوست بودن و وفادار ماندن نسبت به او. طبق نظر جامعه‌شناسان زیستی، بشر تکامل یافته تا پیوندهای محکم و دراز مدت با یک شریک تشکیل دهد که تضمین‌کننده فرزندآوری است با سن تولید مثل زنده بمانند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۲۳). یکی از

جلوه‌های انگیزه پیوند جویی، نزدیکی با شخص مورد علاقه تحت عنوان پیوند ازدواج برقرار کردن، است. ازدواج، یک وحدت تایید شده و دوباره بازشناسی اجتماعی، بین افرادی که - با انتظارات ثابت و ارتباط عاطفی پایدار - با یکدیگر متعهد می‌شوند تعریف شده است (انکارتا^۱، ۲۰۰۳). طبق نظریه لیندز^۲ ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی سازنده جامعه انسانی است. دو فرد متفاوت - از نظر جنسیتی - که به واسطه نیروی عشق نسبت به یکدیگر جاذبه متقابل دارند، با هم قرار می‌بندند که یک واحد پویا و خلاق را بنا نهند، این جامعه کوچک خانواده نام می‌گیرد. استیفن^۳ ازدواج را به عنوان یک واحد جنسی قانونی مطرح می‌کند که از نظر اجتماعی با یک اعلام عمومی شروع می‌شود و با ایده‌هایی که مبنای آن قرارداد ادامه می‌یابد و زن و مرد آشکارا می‌پذیرند که ازدواج حقوق و الزاماتی را برای زوجین و فرزندان آینده ایجاد می‌کند و بنابر این ازدواج قبل از جاذبه‌های جسمانی، واحد زیست‌شناختی یا وحدت اجتماعی است. ازدواج عبارت است از تعهد و وقف کردن کامل خود و پذیرش مسئولیتهایی که منجر به بهبود زندگی مشترک می‌شود (جانتیس^۴، ۲۰۰۱).

لیندز عواملی را که برای ایجاد یا ادامه روابط عاشقانه منجر به ازدواج می‌شود، مطرح می‌کند: (۱) جذابیت جسمانی؛ (۲) ارضای نیازهای شخصی چون نیاز به درک شدن و مورد احترام قرار گرفتن و تایید آرزوها، تکیه گاهی در هنگام مشکلات و تنهایی‌ها؛ (۳) شریک بودن در غم و شادی؛ (۴) اهداف زندگی مشترک (همان). روانشناسان به اهمیت ارضای نیاز و انگیزه پیوند جویی در رشد انسان و ارتباط سالم وی با دیگران اشاره کرده‌اند. مثلاً فروید در بیان مراحل رشد روانی - جنسی، به اهمیت ارضای نیاز جنسی تأکید می‌کند و این که تجارب و تحول جنسی فرد بزرگسال عامل اصلی تکوین شخصیت وی می‌باشد و پیوند جنسی در عمیق‌ترین احساسات آدمی نسبت به خود اثر می‌گذارد از جمله احساس کفایت، تمایل به پیوند نزدیک با انسانهای دیگر و توانایی مقابله با مسائلی که رشد و تکامل به عهده دارد (موری، ۱۳۶۳). ابراهام مزلو در بیان سلسله مراتب نیازها، نیاز جنسی را در زمره نیازهای اولیه قرار می‌دهد و پس از آن، در مرتبه سوم نیازها، نیاز به تعلق و همچنین پیوند جویی را قرار می‌دهد (فرجی،

1- Encarta

2- Lindes

3- Stephen

4- Janetiues

۱۳۷۵) بنابراین به واسطه ازدواج نه تنها نیاز جنسی بلکه نیاز به تعلق، ارضا می شود و زمینه برای آشکار شدن نیازهای سطح بالاتر فراهم می شود. به اعتقاد اریکسون یک جوان (۲۰-۳۰) نیاز دارد که با فرد دیگر یا دیگران پیوند عاطفی برقرار کند و نسبت به وی یا آنها احساس تعهد در او بوجود آید و چنان که چنین نیازی برآورد نشود از اجتماع خود منزوی می شود و آسیبهای روانی برای خود و جامعه بدنبال دارد (احدی و جهرمی، ۱۳۸۰).

شواهد حاکی از آن است که تغییرات جوامع و پیچیده شدن زندگی اجتماعی بر پدیده ازدواج و جنبه های گوناگون آن اثر گذاشته است. امروز ازدواج به صورت پدیده پیچیده ای در آمده است، مردم به دلایل مختلف ازدواج می کنند. علاوه بر جنسیت و جذابیت جنسی که از ملاحظات اولیه می باشد؛ عشق، اقتصاد جامعه، مشارکت، حمایت، و امنیت عاطفی و فرار از تنهایی، رسیدن به علایق مشترک و داشتن فرزند، دلایلی هستند که افراد به خاطر آنها ازدواج می کنند. کارل راجرز تغییرات امروزی را تمایل مثبت به سمت آزادی بیشتر افراد می داند و این که هدف ازدواج و خانواده به عنوان بقای نسل توسط بعضی جامعه شناسان امروزی مورد مناقشه قرار گرفته است (جاتیس، ۲۰۰۱)

لیندسی^۳ (۲۰۰۳) مطرح می کند که تا سال ۱۹۴۵ انتظار می رفت که زنان بعد از اتمام تحصیلات خود هر چه زودتر ازدواج نماید اما امروزه با دادن آزادی بیشتر به زنان ازدواج تا سن ۳۰ سال یا بالاتر به تأخیر افتاده است. بر طبق مطالعات و بررسیها، جمعیتی که تأخیر در ازدواج داشته اند بیشتر شهر نشین بوده اند و طرحهایی برای آینده خود در مورد ازدواج داشته اند. چون تأخیر در ازدواج برای آنان این امکان را فراهم می سازد که آموزشها و تحصیلات خود را به اتمام برسانند و مهارتهای حرفه ای بیاموزند و در مراقبت و نگهداری کودک نیز آموزش ببینند. چنان که دکتر کانستس شیل^۱ جامعه شناس دانشگاه کالیفرنیا مطرح می کند که مردان با تحصیلات بالا و زنان شاغل بیشتر تمایل به تأخیر در ازدواج دارند و مردم طبقات پایین تر اجتماعی و یا با تحصیلات کمتر احتمالاً کمتر ازدواج خود را به تأخیر می اندازند. همچنین لیندسی معتقد است شرایط حاد اقتصادی و صدمات اقتصادی دلیلی می تواند بر افزایش سن ازدواج باشد. چنان که در سالهای ۳۲-۱۹۳۰ که فشار اقتصادی بر جامعه آمریکا

^۱ - Constance L. Shel

حاکم بوده است نرخ ازدواج تقریباً به ۱۳ درصد کاهش یافته است و امروزه زنان آمریکا تشویق می‌شوند که مستقل باشند و خودشان اهداف زندگیشان را جهت دهند. بنابراین زنان، نیز ترجیح می‌دهند ازدواج خود را به تأخیر بیندازند. تا سال ۲۰۰۰ متوسط سن ازدواج (نسبت به دهه ۱۹۵۰) ۲۱/۱ درصد برای زنان و ۲۶/۸ درصد برای مردان افزایش داشته است و سن ازدواج در ۲۰۰۲ نسبت به هر زمان دیگری افزایش یافته و در آینده نیز افزایش خواهد داشت.

جاننیس (۲۰۰۱) مطرح می‌کند که در فیلیپین تحت تأثیر فرهنگ غرب و تنوع و اغتشاش رسانه‌ها و افزایش جمعیت، صنعتی شدن و شهری شدن، روش زندگی تفاوت کرده است. اخلاق جنسی جدید و آسان‌گیری‌های جنسی، بخشهایی از ازدواج و خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. پابندی به ارزشهای جنسی و نظام بخشی خانواده و ایده داشتن فرد، به تدریج از صحنه محو شده است. در عوض تجرد و لذت بردن از رابطه جنسی قبل از ازدواج، سقط جنین و روابط نامشروع، فحشا و عدم وفاداری زناشویی در نظام اجتماعی رسوخ کرده است.

ترنر^۱ (۱۹۹۰) در تحقیقی که در باره تأخیر سن ازدواج در کانادا انجام داده است، اشاره می‌کند که تأخیر در ازدواج در بسیاری از زنان آمریکا افزایش یافته است. همچنین در زنان جوانتر کانادایی که کمتر از ۲۵ سال دارند، در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، تحصیلات دانشگاهی دارند و سطح تعهدات مذهبی کمتری دارند، تأخیر در سن ازدواج مشاهده می‌شود. گارینو^۲ (۱۹۹۲) در بررسی تمایل جوانان به ازدواج می‌نویسد بعد از اتمام تحصیلات، ازدواج مهمترین تصمیم هر فرد در زندگی است و عواملی نظیر میزان طلاق در جامعه، اهداف دوره زندگی و علایق آموزشی و تحصیلی از عواملی هستند که بر تمایل فرد نسبت به ازدواج اثر می‌گذارند. بنابراین جوانانی که فرزندان طلاق هستند و همچنین کسانی که اهداف تحصیلی دراز مدت دارند و یا برای آینده زندگی خود و فرزندانشان اهداف طولانی مدت دارند، دیرتر ازدواج خواهند کرد. هکتور^۳ (۲۰۰۳) در یک مطالعه توصیفی که درباره تمایل به ازدواج در جوانان انجام داد نشان داد که در دانشگاه کالیفرنیا شمالی ۹۹ درصد دانشجویان مرد و زن به ایجاد یک ارتباط متعهدانه در آینده تمایل داشتند اما اغلب مردان تمایل داشتند که این امر را به

^۱-Turner

^۲- Guarino

^۳-Hector

۵ سال آینده موعول کنند. ایزا و ریا^۱ (۲۰۰۳) در بررسی اهداف زندگی در اسپانیا و پدیده تأخیر سن ازدواج مطرح می نمایند که افزایش سن ازدواج در اروپای شمال غربی به کشورهای مدیترانه‌ای اسپانیا و ایتالیا گسترش یافته است. وی همچنین تغییرات شرایط زندگی در نتیجه ازدواج، همچون ناتمام ماندن تحصیلات، تولد فرزند، صرف مستقیم هزینه های مادی برای پرورش کودک موجب کاهش تمایل به باروری شده و در نتیجه موجب به تعویق افتادن ازدواج و تشکیل خانواده شده است.

پژوهشهایی نیز در ایران انجام شده است، از جمله یزدانی و همکارانش (۱۳۷۶) پژوهشی بر روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان اصفهان انجام دادند. نتایج نشان داد که بین دیدگاههای دانشجویان پسر و دختر در مورد معیارهای ازدواج تفاوت معنی داری وجود دارد. دانشجویان پسر به معیارهای زیست شناختی و دانشجویان دختر به معیارهای روانشناختی و اجتماعی اهمیت می دهند. بوالهروی و همکارانش (۱۳۷۸) نگرش دانشجویان رشته پزشکی را بررسی کردند و نشان دادند که نگرش دانشجویان نسبت به ازدواج مثبت است و این که ایجاد حمایت‌های خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی و رفع موانع دست و پا گیر نقش مؤثری در گرایش جوانان نسبت به ازدواج دارند. تذکری و کریم الهی (۱۳۷۶) در پژوهشی روی ۹۷ نفر از دانشجویان دانشکده های اردبیل نشان دادند که امکانات رفاهی مشکل اساسی در تأخیر سن ازدواج است. میری و همکارانش (۱۳۷۴) مهمترین عامل کاهش ازدواج و تأخیر سن ازدواج را علل اقتصادی و عدم اطمینان به آینده شخصی، عدم شناخت کامل از طرف مقابل و عدم تطابق فرهنگی بین خانواده های طرفین بیان کردند. حق دوست و همکاران (۱۳۷۴) نگرش ۳۰۰ نفر از دانشجویان علوم پزشکی کشور را نسبت به عوامل مؤثر در ازدواج مورد بررسی قرار دادند. این نتایج نشان داد که از نظر سن پیشنهادی ازدواج بین زنان و مردان تفاوت معنی داری وجود دارد. در پژوهشی که شکیبی و آقاخانی (۱۳۸۲) انجام دادند علل اقتصادی و عدم اطمینان به آینده شغلی مهمترین دلایل عدم تمایل به ازدواج بود و در پژوهش روشن (۱۳۷۶) عدم یافتن فرد مناسب و هم عقیده از دلایل مهم تأخیر ازدواج بود. همچنین مطرح شده است که سن جوانان در هنگام ازدواج نیز عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی است. اریک اریکسون، ششمین مرحله از

^۱ - Riea & Iza

مراحل تحولی را مرحله «صمیمیت در مقابل کناره‌گیری»^۱ نام گذاشته است که از بیست سالگی تا سی سالگی را در بر می‌گیرد. در این دوره یک فرد سالم توانایی برقراری روابط صمیمی و تشریک مساعی با دیگران را دارد. عدم موفقیت در ایجاد چنین پیوندی منجر به کناره‌گیری و اجتناب در روابط صمیمی می‌شود و ممکن است به احساس خود شیفتگی منجر شود (احدی و جهرمی، ۱۳۸۰). اگر ازدواج زود هنگام باشد مشکلاتی را در بر دارد (قائمی، ۱۳۷۸). ازدواج دیر هنگام نیز می‌تواند منجر به ناسازگاری زناشویی و تولد فرزندان معیوب و مرگ و میر نوزادان شود. جانتیس (۲۰۰۱) مطرح می‌کند که ممکن است ازدواج دیر هنگام مشکلاتی را به همراه داشته باشد زیرا عملکرد نقش در دوران مجردی به طور کامل رشد می‌یابد و در نتیجه در دوران متأهلی فرد نمی‌تواند با شرایط جدید سازگار شود. اما ممکن است مقدار کمی تأخیر سنی در ازدواج، فوایدی را در بر داشته باشد و به فرد کمک کند تا شرایطی که باعث تأخیر در سن ازدواج شده است را حل و فصل نماید (تصمیم‌گیری برای ازدواج^۲، ۲۰۰۱).

این واقعیت که سن ازدواج جوانان در سالهای اخیر افزایش یافته پدیده‌ای قابل تأمل و با اهمیت است. افزایش سن ازدواج ممکن است ناشی از علل و عوامل گسترده‌ای باشد و لازم به نظر می‌رسد که به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرد تا راه‌های مناسبی برای رفع این مشکل ارائه شود. پژوهش حاضر در پی آن است که به این سؤال اساسی که چه عواملی باعث افزایش سن ازدواج در جوانان شده است و چه راه‌هایی برای رفع مشکل ازدواج جوانان مفید است، پاسخ دهد. بنابراین سئوالهای پژوهشی عبارتند از:

- ۱) چند درصد از دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج، در گذشته برایشان امکان ازدواج فراهم شده است؟
- ۲) چرا ازدواج نکرده‌اند؟
- ۳) آیا بین دو جنس تفاوت معنی‌دار در این باره وجود دارد؟
- ۴) میزان امید دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج، در زمینه فراهم شدن امکان ازدواج در آینده تا چه میزان است؟
- ۵) آیا بین دو جنس تفاوت معنی‌دار در این باره وجود دارد؟

^۱ - Intimacy vs. Isolation

^۲ - The Decision to Delay Marriage

- ۶) دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج، چند سالگی را سن مناسب برای ازدواج خود می دانند؟
- ۷) دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج، مهمترین علل ازدواج نکردن خود را در زمان حاضر چه می دانند؟
- ۸) دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج، چه راه‌هایی را برای رفع مشکلات فرا روی ازدواج خود مفید می دانند؟
- ۹) آیا بین دو جنس تفاوت معنی داری در این باره وجود دارد؟

روش

روش پژوهش مورد استفاده توصیفی می باشد. برای جمع آوری حقایق و نظرات مردم و مطالعات پرسشنامه ای و مصاحبه ای، روش پژوهش توصیفی، روش مناسبی شناخته می شود (نادری، ۱۳۶۴). جامعه آماری، کلیه دختران بالای ۲۵ سال و پسران بالای ۲۷ سال ساکن شهر زاهدان که ازدواج نکرده اند، می باشد. نمونه آماری ۱۲۰ نفر می باشد که به روش انتخاب تصادفی برگزیده شده است. با توجه به بافت جمعیتی شهر زاهدان و تعداد زیاد دانشجویان و فارغ التحصیلان غیر بومی، اکثر گروه نمونه را افراد تحصیل کرده یا دانشجویان دانشگاهی تشکیل می دهند. این سوگیری نمونه به دلیل ویژگیهای فرهنگی و قومی منطقه و کمبود افراد بومی دارای تأخیر در ازدواج، قابل توجیه است.

جدول ۱) مشخصات گروه نمونه

میزان تحصیلات	جنسیت	دیپلم	لیسانس	بالتر از لیسانس	جمع
دختر	۱۲	۳۶	۱۳	۶۱	
پسر	۱۹	۳۷	۳	۵۹	
جمع	۳۱	۷۳	۱۶	۲۰	

برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه در دو مرحله تهیه شد. در مرحله اول پس از بررسی متون و تحقیقات قبلی، پرسشنامه پاسخ باز تهیه شد و بین ۳۰۰ نفر از جامعه آماری به طور تصادفی توزیع شد و پس از بررسی و تحلیل

محتوای پاسخنامه‌ها، پرسشنامه پاسخ بسته ۷۵ ماده‌ای تهیه شد. برای افزایش اعتبار پرسشنامه، تحلیل محتوا توسط دو نفر ارزیاب انجام شد و میانگین آن مورد استناد قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی، آزمون خی دو، استفاده شده است.

یافته‌ها

در بررسی سؤالات اول تا سوم پژوهش که - برای چند درصد از دختران و پسران دارای تأخیر ازدواج در گذشته امکان ازدواج فراهم شده است و چرا ازدواج نکرده‌اند؟ آیا بین دو جنس تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ - نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۲: میزان فراهم شدن امکان ازدواج در گذشته - با تفکیک جنسیت

کل		دختران		پسران		امکان ازدواج در گذشته
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۱/۴	۷۵	۸۸/۷	۴۷	۵۳/۸	۲۸	داشته‌اند
۲۸/۶	۳۰	۱۱/۳	۶	۴۶/۲	۲۴	نداشته‌اند
۱۰۰	۱۰۵	۱۰۰	۵۳	۱۰۰	۵۲	کل

$$X^2 = ۱۵/۶ \quad df = ۱ \quad P < ۰/۰۱$$

همانطور که جدول نشان می‌دهد، ۵۳/۸ درصد پسران و ۸۸ درصد دختران در گذشته امکان ازدواج داشته‌اند که ازدواج نکرده‌اند. ۴۶/۲ درصد پسران و ۱۱/۳ درصد دختران در گذشته امکان ازدواج برایشان فراهم نبوده است. نتایج آزمون X^2 نیز تفاوت معنی‌داری را بین دو گروه دختران و پسران در زمینه فراهم شدن و نشدن امکان ازدواج در گذشته نشان می‌دهد. نتایج پاسخ گروه دارای فرصت ازدواج، در باره این که چرا در آن فرصت پیش آمده، ازدواج نکرده‌اند، در جدول شماره ۳ نشان داده شده است:

جدول ۳: مقایسه علل عدم ازدواج در فرصت فراهم شده - با ترتیب اهمیت و تفکیک

جنسیت

کل		دختران		پسران		علل عدم ازدواج
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۳/۸	۲۹	۳۷/۱	۲۳	۱۰	۶	نبود فرد مورد علاقه
۲۳	۲۸	۲۵/۸	۱۶	۲۰	۱۲	ادامه تحصیل
۱۴/۸	۱۸	۰	۰	۳۰	۱۸	مشکلات اقتصادی
۱۲/۳	۱۵	۱۶/۱	۱۰	۸/۳	۵	پایین بودن سن
۱۱/۵	۱۴	۰	۰	۲۳/۳	۱۴	بیکاری
۸/۲	۱۰	۱۱/۳	۷	۵	۳	موارد دیگر
۶/۶	۸	۹/۷	۶	۳/۳	۲	درگیری خانواده‌ها
۱۰۰	۱۲۲	۱۰۰	۶۲	۱۰۰	۰	کل

بر اساس داده های جدول شماره ۳، مهمترین علت عدم ازدواج پسران در گذشته، به ترتیب، مشکلات اقتصادی (۳۰ درصد)، بیکاری (۲۳ درصد)، ادامه تحصیل (۲۰ درصد)، نیافتن فرد مورد علاقه (۱۰ درصد)، پایین بودن سن (۸/۳ درصد)، درگیری خانواده ها (۳/۳ درصد) و موارد دیگر (۵ درصد) بوده است و مهمترین علت عدم ازدواج دختران در گذشته (با وجود فراهم شدن امکانات) به ترتیب، نیافتن فرد مورد علاقه (۳۷/۱ درصد)، ادامه تحصیل (۲۵/۸ درصد)، پایین بودن سن (۱۶/۱ درصد)، درگیری خانواده ها (۹/۷ درصد) و عوامل دیگر (۱۱/۳ درصد) بوده است.

سئوالهای چهارم و پنجم پژوهش این است که میزان امید دختران و پسران (با تأخیر ازدواج) در زمینه فراهم شدن امکان ازدواج در آینده چگونه است؟ آیا بین دو جنس تفاوت معنی داری وجود دارد؟ نتایج در جدول شماره ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴: مقایسه میزان امید برای فراهم شدن امکان ازدواج در آینده به تفکیک جنسیت

جنسیت	پسر		دختر		کل	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
دارند	۳۹	۶۶/۱	۷	۱۱/۵	۴۶	۳۸/۳
ندارند	۱۰	۱۶/۹	۲۷	۴۴/۳	۳۷	۳۰/۸
نمی‌دانم	۱۰	۱۶/۹	۲۷	۴۴/۳	۳۷	۳۰/۸
کل	۵۹	۱۰۰	۶۱	۱۰۰	۱۲۰	۱۰۰

$$X^2 = ۳۷/۸۶۰ \quad df = ۲ \quad P < ۰/۰۱$$

همانطوری که داده‌های جدول نشان می‌دهد ۶۶/۱ درصد پسران و ۱۱ درصد دختران برای ازدواج در آینده امید دارند و ۱۶/۹ درصد پسران و ۴۴/۳ درصد دختران امید به ازدواج در آینده را ندارند و ۱۶/۹ درصد پسران و ۴۴/۳ درصد دختران در این امر مردد هستند که با “نمی‌دانم” پاسخ داده‌اند. نتیجه آزمون X^2 تفاوت معنی داری را بین پسران و دختران نشان داده است.

سوال ششم پژوهش عبارت از این است که دختران و پسران (دارای تأخیر در ازدواج) چند سالگی را سن مناسب برای ازدواج خود می‌دانسته‌اند. آیا بین دو جنس تفاوت معنی داری وجود دارد؟ نتایج در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: مقایسه سن مناسب ازدواج به تفکیک جنسیت

جنسیت	پسر		دختر		کل	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
قبل از ۲۰	۳	۶	۰	۰	۳	۲۹
۲۰ الی ۲۵	۳۹	۷۸	۵۰	۹۰/۹	۸۹	۸۴
۲۵ الی ۳۰	۶	۱۲	۴	۷/۳	۱۰	۹/۵
۳۰ به بالا	۲	۴	۱	۱/۸	۳	۲/۹
کل	۵۰	۱۰۰	۵۵	۱۰۰	۱۰۵	۱۰۰

$$X^2 = ۴/۸۶۶ \quad df = ۳ \quad P < ۰/۱۸۲$$

براساس داده های جدول، ۷۸ درصد پسران و ۹۰/۹ درصد دختران سن ۲۰ الی ۲۵ سالگی را سن مناسب ازدواج می دانسته اند و ۱۲ درصد پسران و ۷/۳ درصد دختران سن ۲۵ الی ۳۰ سالگی، را سن مناسب برای ازدواج خود می دانستند.

سوال هفتم پژوهش این است که دختران و پسران (دارای تأخیر ازدواج) مهمترین علل ازدواج نکردن خود را در زمان حاضر چه می دانند؟ آیا بین دو جنس تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج مربوط به سوال چهارم در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶: مقایسه علل عدم ازدواج - با تفکیک جنسیت

کل		دختر		پسر		جنسیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	علل مؤثر
۳۲/۶	۱۰۴	۳۸	۶۰	۲۷/۳	۴۴	نیافتن فرد مورد علاقه
۲۴/۱	۷۷	۲۶/۶	۴۲	۲۱/۷	۳۵	درگیری خانواده ها و یا مخالفت خانواده ها
۱۶	۵۱	۱۵/۸	۲۵	۱۶/۱	۲۶	ترس از ازدواج و عدم اعتماد به نفس
۱۰/۷	۳۴	۶/۳	۱۰	۱۴/۹	۲۴	مشکلات اقتصادی
۸/۵	۲۷	۳/۲	۵	۱۳/۷	۲۲	بیکاری
۸/۲	۲۶	۱۰/۱	۱۶	۶/۲	۱۰	ادامه تحصیل
۱۰۰	۳۱۹	۱۰۰	۱۵۸	۱۰۰	۱۶۱	کل

$$X^2 = ۲۰/۹۴۴ \quad df = ۵ \quad P < ۰/۰۱$$

همانطوری که داده های جدول نشان می دهد نیافتن فرد مورد علاقه هم برای دختران (۳۸ درصد) و هم برای پسران (۲۷/۳ درصد) از علل عمده است. پس از آن اختلاف بین خانواده های طرفین (دختران ۲۶/۶ درصد و پسران ۲۱/۷ درصد)، ترس از ازدواج (دختران ۱۵/۸ درصد و پسران ۱۶/۱ درصد)، مشکلات اقتصادی (پسران ۱۴/۹ درصد و دختران ۶/۳ درصد)، بیکاری (۱۳/۷ درصد برای پسران و ۳/۲ درصد برای دختران) و ادامه تحصیل (۱۰/۱ درصد برای دختران و ۶/۲ درصد برای پسران) علل مهم تأخیر در ازدواج به شمار می رود. نتیجه آزمون X^2 تفاوت معنی داری را بین دختران و پسران در اهمیت دادن به علل نشان می دهد.

سوال هشتم و نهم پژوهش عبارت است از: دختران و پسران (با تأخیر در ازدواج) چه راه‌هایی را برای مشکلات فرا روی ازدواج خود مفید می‌دانند؟ آیا بین دو جنس تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ نتایج مربوط به سؤال پنجم در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول ۷: مقایسه راه‌های پیشنهادی برای رفع مشکل ازدواج - به

تفکیک جنسیت

کل		دختر		پسر		جنسیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	راه‌های پیشنهادی
۱۷	۴۴	۲۲/۳	۲۵	۱۲/۹	۱۹	تغییرات فرهنگی
۲۷/۸	۷۲	۲۴/۱	۲۷	۳۰/۶	۴۵	کاهش انتظارات والدین
۲۲	۵۷	۲۲/۳	۲۵	۲۱/۸	۳۲	رفع مشکلات اقتصادی جامعه و خانواده
۱۵/۸	۴۱	۱۴/۳	۱۶	۱۷	۲۵	کمک‌های مالی دولت
۱۷/۴	۴۵	۱۷	۱۹	۱۷/۷	۲۶	افزایش مراکز مشاوره‌ای جهت آشنا شدن جوانان با هم
۱۰۰	۲۵۹	۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰	۱۴۷	کل

$$X^2 = ۴/۵۹۷ \quad df = ۴ \quad P < ۰/۳۳$$

براساس نتایج به دست آمده، دختران و پسران بیش از همه عوامل، کاهش انتظارات والدین (پسران ۳۰/۶ درصد و دختران ۲۴/۱ درصد) را بهترین راه حل برای رفع مشکلات فرا روی ازدواج خود مطرح کرده‌اند و پس از آن پسران (۲۲ درصد) و دختران (۲۲/۳) رفع مشکلات اقتصادی جامعه و خانواده و تغییرات فرهنگی در زمینه مسائل مربوط به ازدواج (۲۲/۳) را راه حل برای رفع مشکلات فرا روی ازدواج دانسته‌اند. افزایش مراکز مشاوره‌ای جهت آشنایی جوانان با یکدیگر و کمک‌های مالی دولت مرتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده است. نتایج آزمون X^2 تفاوت معنی‌داری را بین دختران و پسران در ارائه راه‌های پیشنهادی، نشان نمی‌دهد.

بحث

افزایش سن ازدواج تا حد زیادی متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی می باشد و می توان آن را یک پدیده جهانی دانست (ترنز، ۱۹۹۰؛ لیندسی، ۲۰۰۳؛ بومن، ۱۹۷۴).

نتایج بررسی سوال اول در خصوص اینکه «آیا امکان ازدواج برای دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج، در گذشته فراهم شده است و این که چرا ازدواج نکرده اند» نشان می دهد که ۸۸ درصد دختران در گذشته این فرصت برایشان ایجاد شده است اما در پسران این فرصت برای ۵۳/۸ درصد بوده است و تفاوت معنی داری بین دو جنس وجود داشته است. این نتیجه با توجه به شرایط فرهنگی ایران قابل توجه است زیرا پسران هستند که به خواستگاری دختران می روند و دختران ممکن است به دلایل مختلف اصطلاحاً این فرصتها را از دست بدهند و یک پسر دارای شرایط، ازدواج قبل از ازدواج به خواستگاری چند دختر فاقد آمادگی رفته باشد. اما پسرانی که آمادگی ازدواج نداشته اند، هیچگاه این فرصت برایشان ایجاد نشده است و ایجاد فرصت ازدواج در اختیار خود آنهاست نه دختران.

در ادامه بررسی این سوال، علت ازدواج نکردن افراد، با وجود این فرصتها مهم است زیرا دلایل واقعی ازدواج نکردن گروه نمونه را نشان می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد عمده ترین دلیل ازدواج نکردن دختران در این فرصتها، «نیافتن فرد مورد علاقه» (۳۷ درصد) بوده است و پس از آن «ادامه تحصیل» (۲۵/۸ درصد) عامل دیگر تن در ندادن به ازدواج معرفی شده است. این نتایج با آنچه لیندسی (۲۰۰۳) در خصوص علل به تأخیر افتادن ازدواج می گوید و با یافته پژوهش شکیبی و آقاخانی (۱۳۸۲) همخوانی دارد.

نتایج همچنین نشان می دهد که عمده ترین دلیل ازدواج نکردن پسران به ترتیب «مشکلات اقتصادی» (۳۰ درصد)، «بیکاری» (۲۳ درصد) و «ادامه تحصیل» (۲۰ درصد) بوده است که این نتیجه با یافته های لیندسی (۲۰۰۳)، تذکری و کریم الهی (۱۳۷۶) میری و همکاران (۱۳۷۴) و شکیبی و آقاخانی، مشابهت دارد.

در سوال دوم مطرح شد که هر یک از افراد نمونه (دارای تأخیر در ازدواج) احتمال می دهد تا چند سال دیگر بتواند ازدواج کند. نتایج این بررسی نشان می دهد که تفاوت معنی داری در این زمینه بین دختران و پسران وجود دارد به طوری که ۶۶ درصد پسران امید به ازدواج در آینده دارند اما فقط ۱۱ درصد دختران دارای تأخیر در ازدواج، امید به ازدواج در آینده داشتند.

این امر علاوه بر تفاوت جسمانی زن و مرد متأثر از شرایط فرهنگی ایران است. به این صورت که سن مناسب برای باردار شدن زنان تا ۳۵ سالگی می‌باشد و همچنین عدم وجود شرایط فرهنگی برای درخواست ازدواج از طرف دختران، امید برای ازدواج کردن را در دختران دارای تأخیر ازدواج، کاهش می‌دهد.

سوال سوم تحقیق به این می‌پردازد که دختران و پسران دارای تأخیر ازدواج، مایل بوده‌اند در چند سالگی ازدواج کنند، پاسخ ۷۸ درصد از پسران و ۹۰/۹ درصد از دختران ازدواج در سنین ۲۰ تا ۲۵ سالگی بود.

این نتیجه با یافته‌های هکتور (۲۰۰۳) در دانشگاه کالیفرنیا که مردان (برخلاف زنان) تمایل دارند ازدواج را به ۵ سال بعد موکول کنند، همخوانی ندارد. علت این یافته‌های متفاوت را می‌توان در تفاوت‌های اجتماعی جامعه ایران و امریکا جستجو کرد زیرا در امریکا امکان ارتباط بین زن و مرد، خارج از چارچوب ازدواج متعهدانه وجود دارد و در این ارتباط مردان احساس امنیت بیشتری نسبت به زنان دارند اما در ایران چنین ارتباطی مشکلاتی به همراه دارد.

سوال چهارم تحقیق این است که در زمان حاضر، دختران و پسران دارای تأخیر در ازدواج مهمترین علل ازدواج نکردن خود را چه می‌دانند؟ بیشترین تعداد دختران (۳۸ درصد) و پسران (۲۷/۳ درصد) «نیافتن فرد مناسب» را جزء مهمترین علل ازدواج نکردن خود معرفی کرده‌اند. پس از آن «درگیری و مشکلات خانوادگی» توسط ۲۶/۶ درصد دختران و ۲۱/۷ درصد پسران به عنوان علت ازدواج نکردن خود معرفی کرده‌اند. رتبه سوم در علل ازدواج نکردن در هر دو جنس (۱۶ درصد) «ترس از ازدواج و عدم اعتماد به نفس» می‌باشد. در صورتی که رتبه چهارم و پنجم در علل عدم ازدواج برای ۱۵ و ۱۳ درصد پسران «مشکلات خانوادگی» و «بیکاری» است. رتبه چهارم و پنجم در علل عدم ازدواج ۱۰ و ۶ درصد دختران ادامه تحصیل و سپس مشکلات اقتصادی بود و در این خصوص تفاوت معنی داری بین دختران و پسران مشاهده شد.

این نتایج با یافته‌های سوال یک همین تحقیق به این دلیل کاملاً انطباق ندارد که سوال یک به دنبال یافتن علت ازدواج نکردن در فرصتهای گذشته است. در این سنین بالا (با تأخیر ازدواج) دیگر مشکل بیشتر پسران «مشکلات اقتصادی و سپس بیکاری» نیست بلکه «نیافتن فرد مناسب و مشکلات خانوادگی» جای آن دو مشکل را گرفته‌اند و در دختران نیز «ادامه تحصیل»

به عنوان دومین مشکل عدم ازدواج در گذشته، در سنین بالا (تأخیر در ازدواج) جای خود را به مشکلات خانوادگی و ترس از ازدواج داده است. البته نیافتن «فرد مناسب» همچنان مشکل بیشترین دختران دارای تأخیر در ازدواج می باشد.

این نتیجه با آنچه سید فاطمی (۱۳۷۶) مطرح می کنند سازگاری ندارد. این امر شاید به دلیل عدم تفکیک دلایل عدم ازدواج گذشته و حال می باشد که در این پژوهش ها رعایت نشده است. به عبارت دیگر، مشکلات فرا روی ازدواج افراد دارای تأخیر در ازدواج با افراد سنین پایین تر، متفاوت هستند که باید در نظر گرفته شوند.

سوال پنجم تحقیق به راه حل خود این افراد (دارای تأخیر ازدواج) برای رفع مشکلات فراروی ازدواجشان، می پردازد. بیشترین دختران (۲۴ درصد) و پسران (۳۰/۶ درصد)، بهترین راه حلها را (با توجه به شرایط موجود جامعه) «کاهش انتظارات والدین» می دانند. پس از آن برای پسران (۲۲ درصد) «رفع مشکلات اقتصادی جامعه و خانواده ها» و برای دختران (۲۲/۳ درصد) علاوه بر «رفع مشکلات اقتصادی جامعه و خانواده»، «تغییرات فرهنگی» (از قبیل امکان ارتباط راحت تر بین دختر و پسر) رتبه دوم در راه حلها را به خود اختصاص می دهد. «افزایش مراکز مشاوره ای ویژه آشنا کردن جوانان جویای همسر» راه حل بعدی مورد درخواست ۱۷/۷ درصد پسران و ۱۷ درصد دختران است. نکته قابل توجه اینکه تفاوت معنی داری بین راه حل های دختران و پسران مشاهده نشد که نشان دهنده توجه هر دو جنس به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می باشد.

این راه حلها به دلیل اینکه توسط افراد مبتلا به مشکل و برای رفع مشکلات خودشان ارائه شده اند. از راه حلهای کلی و نظر خواهی از افراد دیگر راجع به مشکلات دیگران، قابل اعتمادتر می باشد.



منابع

- ۱- اتکینسون، ر و هیلگارد، ا (۱۳۸۵). زمینه روانشناسی. ترجمه براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- ۲- احدی، حسن و جهرمی، فرهاد (۱۳۸۰). روانشناسی رشد (۲)، نوجوانی، جوانی، میانسالی، پیری. تهران: انتشارات پردیس.
- ۳- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۰) جوانان و ازدواج. تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- ۴- بوالهروی، جعفر و دیگران (۱۳۷۸). بررسی نگرش دانشجویان مجرد رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد ازدواج. اندیشه و رفتار، سال پنجم، شماره ۱ و ۲.
- ۵- تذکری، زهرا و کریم‌الهی، منصور (۱۳۷۷). بررسی نظرات دانشجویان اردبیل نسبت به ازدواج. خلاصه مقالات نخستین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان.
- ۶- حدیث تربیت (۱۳۶۱). حدیث تربیت از سخنان چهارده معصوم. تهران: پیام آزادی.
- ۷- حسینی، میمنت و دیگران (۱۳۸۰). پرستاری بهداشت خانواده. تهران: انتشارات بشری.
- ۸- حق دوست، علی اکبر؛ روز، کوروش؛ کاملی، جعفر و لطیفی، نوراحمد (۱۳۷۴). بررسی دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی پیرامون عوامل مؤثر در ازدواج. فصلنامه اندیشه و رفتار، سال دوم، شماره ۲.
- ۹- روشن، رسول (۱۳۷۶). بررسی موانع و مشکلات ازدواج دانشجویان دانشگاه‌های تهران. خلاصه مقالات نخستین همایش کشوری دانشجویان ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان.
- ۱۰- سید فاطمی، سعید (۱۳۷۶). بررسی عوامل بازدارنده ازدواج از دیدگاه دانشجویان علوم پزشکی تبریز. خلاصه مقالات همایش نخستین همایش کشوری نقش ازدواج در بهداشت روانی دانشجویان.
- ۱۱- شکیبی، علی و آقاخانی، نادر (۱۳۸۲). بررسی دیدگاه دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی ارومیه پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج. مجموعه مقالات سمینار دانشجویان موفق.
- ۱۲- فرجی، ذبیح‌اله (۱۳۷۵). انگیزه و هیجان و واکنش‌های روانی روانشناسی. تهران: چاپخانه تابش.
- ۱۳- قائمی، علی (۱۳۷۸) نظام حیات خانواده در اسلام. تهران: انتشارات سازمان اولیاء و مربیان.
- ۱۴- موری، ادوارد (۱۳۶۳). انگیزه‌ها و هیجان. ترجمه محمد تقی براهنی. تهران: انتشارات شرکت سهامی چهر.

- ۱۵- میری، محمدرضا (۱۳۷۶). بررسی نگرش و علل کاهش ازدواج دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. *مجله دانشگاه علوم پزشکی بیرجند*، سال چهارم، شماره ۸ و ۹.
- ۱۶- نادری، عزت اله و سیف نراقی، مریم (۱۳۶۴). *روشهای تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات بدر.
- ۱۷- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۸). *نظام حیات خانواده در اسلام*. تهران: انتشارات سازمان اولیاء و مربیان.
- ۱۸- یزدانی، محسن و دیگران (۱۳۷۶). *بررسی مقایسه ای معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی اصفهان*. شماره ۷.

19- *The Decision to Delay Marriage*, (2000). Mit@dosp.org

20- En Carta (2003). *The History of Marriage*. Linds soll. Linds21@UFI.edu

21- Guarin, M. (1992) Are Young Adults in a Marriging Mood? *U.S.Catholic*, 57 (3).

22- Hector.p (2003). *Why men Delay Marriage and What You Can Do to Guide Your Man Happily Commit to You?* Peter.Hector@sympatico

23- Janetiues, T. (2001) *Marriage and Marital adjustment*. www.homestead.com

24- Lindsay, S. (2003). *History of marriage , An Introduction to Delayed Marriage*. Lindz21@ufl.edu .

25- Rica, S. Iza,A.(2003). *Career Planning in Spain: Do Temporary Contracts Delay and Motherhood* .

26- Turnen, R. (1990). *Many Conadian Woman are Delayeing Marriage, Opting for Cohabitaion*. *Family playing perspective*, 22 (6).